

باورهای عامیانه ترکمنان (بخش چهارم)

باورهای مرتبط به سوگواری

قسمت پایانی

■ ترجمه و تألیف: آناوردی کریمی

نویسنده، مترجم و پژوهشگر

فرهنگ و ادبیات ترکمن



■ چکیده

هر قوم یا گروه جمعیتی بسته به خاستگاه فرهنگی-جغرافیایی خود برخوردی متفاوت با مسئله مرگ داشته و دارند، که این نوع برخوردها بنا بر پذیرش ادیان و مذاهب، تغییر محل سکونت، آمیختگی با دیگر اقوام، ورود مدرنیته و ... می‌تواند دست‌خوش تغییرات و تحولاتی شود. قوم ترکمن به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اقوام سرزمین استرآباد و گرگان (استان گلستان) ازجمله اقوامی هستند که دارای فرهنگ بومی بسیار بارز و شاخص بوده و با وجود تحولات بسیار زیادی که در گذر زمان در نحوه زندگی آنان ایجاد شده، هنوز به بسیاری از باورها و شاخص‌های فرهنگی خود پایبند هستند. این پژوهش با استفاده از شیوه‌ی بینابین کتابخانه‌ای و گفت‌وگوی شفاهی انجام شده و سعی شده باورهای عموم تیره‌ها و طوایف ترکمن، به ویژه، ترکمنان ایران و بالخصوص ترکمنان ساکن در استان گلستان، مورد بررسی قرار گیرد. واژگان کلیدی: قوم ترکمن- باورها- مرگ- سوگواری

■ مقدمه

مرگ و رحلت انسان از این دنیا و رفتن به دنیای دیگر، از مفاهیمی است که از دیرباز اندیشه‌ی آدمیان را سخت به‌خود مشغول داشته است. آن‌گاه که آدمی سفر آخرت را درپیش می‌گیرد و از میان دیگران رخت برمی‌بندد، نزدیکان، دوستان و آشنایان او در غم فراق و اندوه او مراسم مختلفی را برگزار می‌کنند. در میان ترکمنان نیز هم‌چون دیگر جوامع، در این ارتباط مراسم و باورها و نگرش‌هایی وجود دارد. ما در این نوشتار تلاش خواهیم کرد که این موارد را توضیح دهیم. در شماره‌ی پیشین فصلنامه میرداماد (شماره ۲۶- بهار ۱۴۰۱) باورها و آداب و رسوم ترکمن‌ها از زمان احتزار شخص در حال مرگ تا تدفین او منتشر شده، در این شماره باورهای پس از تدفین ارائه خواهد شد.

■ مراسم و باورهای مرتبط به سوگواری بعد از تدفین متوفی

بسیاری از ترکمنان برای عزاداری و بزرگداشت درگذشتگان خود اهمیت بسیار زیادی قائل هستند. آنان بر خود وظیفه و واجب می‌دانند که در مراسم سوگواری شرکت کنند و با این کار، خود را همدرد و همراه صاحبان عزان نشان داده و در پی تسلی آنان برآیند. براساس باوری در میان ترکمنان؛ متوفی محتاج‌ترین فرد است و هرگز از دعای خیر دیگران سیر نمی‌شود. به همین خاطر ترکمن‌ها در حق افراد درگذشته، حتی اگر بیگانه هم باشد، دعا می‌کنند و برای او مغفرت می‌طلبند. ما در این‌جا قصد پرداختن به تمامی آداب و رسوم را نداریم، بلکه تأکید ما بر باورهای عامیانه مرتبط با سوگواری است. پیش از ورود به موضوع، ذکر دو نکته ضروری است؛ نخست آن‌که برخی از این باورها ممکن است جنبه‌ی مذهبی هم داشته باشند و دوم این‌که نحوه و مدت سوگواری در میان طوایف مختلف ترکمن با هم تفاوت‌هایی دارد.

ترکمنان برای عزیز از دست رفته‌ی خود مراسم روز سوّم، هفتم، چهلم و سالگرد برگزار می‌کنند. عده‌ای از ترکمنان، به‌ویژه ترکمنان یموت، در سال اوّل درگذشت مرحوم خود، هر ماه طعام می‌دهند. برخی نیز روزهای پنجشنبه و حتی دوشنبه، تا چهلمین روز درگذشت مرحوم، غذا می‌پزند و عده‌ای را دعوت می‌کنند و برای مرحوم قرآن خوانده می‌شود و در حق او دعا می‌کنند. گروهی از ترکمنان بعد از به‌جای آوردن مراسم سال اوّل، هر سال بر اساس تقویم هجری قمری، مراسم سالگرد برگزار می‌کنند. همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد، مدت و نحوه‌ی برگزاری این مجالس یادبود بین ترکمنان مناطق مختلف با هم تفاوت‌هایی دارد. در این ارتباط خوب است که به نکات زیر توجه کنیم:

- ترکمن‌ها در روزهای سوّم، هفتم، چهلم، صدم و سالگرد فردی از دنیا رفته مراسم می‌گیرند. به نظر ترکمن‌ها باید چنین ایامی را «همواره به خاطر داشت و مراسم گرفت و در راه خدا طعام داد. اگر چنین شود مرحوم با رضایت‌مندی به خواب تو می‌آید».

- تمامی وقایعی که در طول سه روز اتفاق می‌افتد در جلو چشم مرحوم ظاهر می‌شود. در این ارتباط ضرب‌المثلی هست که می‌گوید «برای مرده عیان و برای زنده گمان». خویشاوندان مرحوم جمع می‌شوند و مراسم روز سوّم را به‌جا می‌آورند و در حق مرحوم دعا می‌کنند. به نظر آنان اگر چنین کنند، چنین اوقاتی آسان سپری می‌شود.

- در هفت روز ناخن‌ها و موهای متوفی به رشد خود ادامه می‌دهند و چنین چیزهایی برای مرحوم بسیار سخت می‌گذرد. اگر برای گرامیداشت مرحوم دعا خوانده شود؛ چنین اتفاقاتی آسان سپری می‌شود.

- در چهلمین روز، زهره‌ی مرحوم می‌ترکد. این اوقات بسیار سخت سپری می‌شود. اگر در چنین زمانی جمع شده و دعا خوانده شود؛ [تحمل] این دوران آسان می‌شود.

- پس از گذشت یک سال، گوشت بدن مرحوم از استخوان جدا می‌شود. این اوقات هم بسیار سخت سپری می‌شود. خواندن دعا، سختی‌ها را آسان می‌سازد.

- عده‌ای از ترکمن‌ها علاوه بر برگزاری مراسم سوّم، هفتم، چهلم و سالی متوفی، معتقد هستند که در روزهای پنجشنبه مراسمی برگزار کنند. در برخی از مناطق ترکمن‌نشین «در تمام یک سال اوّل، هر پنج‌شنبه هم مراسم کوچکی برای یادآوری در خانه‌ی متوفی برگزار می‌شود». برخی طوایف ترکمن علاوه بر پنجشنبه، در روزهای دوشنبه هم مراسمی برگزار می‌کنند. در این روزها معمولاً چند نفر ملأ و یا آخوند و یا افراد دیگر به خانه‌ی مرحوم دعوت می‌شوند، غذایی صرف می‌شود و بعد از آن به تلاوت قرآن و خواندن دعا می‌پردازند. «به باور نُخوری‌ها، روح مرده در روز پنجشنبه آزاد می‌شود و به خانه‌اش برمی‌گردد و در خانه‌اش می‌گردد. روح مرحوم می‌خواهد بداند که آیا برای او مراسم روز پنجشنبه را گرفته‌اند یا نه؟ آیا در حق او دعا می‌کنند یا نه؟ اگر در آن روزها افرادی دعوت شوند و طعامی داده شود، مرحوم ثواب آن‌ها را جمع می‌کند و با خود می‌برد. با توجه به این توضیحات، عده‌ای از این نُخوری‌ها معتقد هستند که مراسمی در چنین روزهایی بگیرند. در ضمن بر این باورند که اگر طعامی در خانه‌ی مرحوم داده نشود، روح مرحوم با ناراحتی برمی‌گردد».

- ترکمن‌ها روز پنجشنبه را «ائس گۆن» می‌گویند با این باور که در شب جمعه باید بوی غذا در خانه بپیچد. برای این‌که در آن شب همه مردگان آزادانه می‌گردند و ارواح رفتگان آن‌ها نیز آزاد است و به خانه‌شان خواهد آمد. ارواح اگر ببینند، خانه‌ای که در آن زیسته‌اند، تمیز است و بوی غذای گرم از اجاق خانه به مشام می‌رسد، خوشحال برمی‌گردند.

- به‌طور کلی روح متوفی در روزهای معین؛ یعنی سوّم، هفتم، چهلم، صدم و سالگرد و نیز روزهای جمعه و شب جمعه و روز عید قربان، به سرزمین قبلی‌اش، به محلّ زندگی‌اش و خانه‌اش و نزد برادران، خویشاوندان، فرزندان، دوستان و یارانش برمی‌گردد و روح از آنان خواهش می‌کند و خطاب به آنان می‌گوید: به خاطر خداوند به من بیچاره رحم کنید و برای من در راه خدا طعام بدهید و هرچند اندک هم که باشد از قرآن آیاتی را بخوانید و در حق من دعا کنید. اگر هیچ‌کس مرحوم را یاد نکند، روح اندوهگین شده و به حالت قهر می‌رود. کسی که موجب رنجش خاطر روح مرحوم شود، کارش از رونق می‌افتد و به تنگدستی دچار می‌شود.

- در باور ترکمن‌ها دادن طعام در راه خدا جایگاه والایی دارد. به نظر آنان هرکس قبل از مرگش هم باید به طور مداوم در راه خدا طعام بدهد. این طعام‌هایی که داده است، بر بالای سر او سایه خواهد انداخت.

به‌طور کلی برگزاری مراسم و بزرگداشت مرحوم در نزد ترکمن‌ها از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. برای نمونه «در جامعه ترکمنستان اموات از احترام فوق‌العاده‌ای برخوردارند. ترکمن‌ها به هر طریق ممکن یاد و خاطره‌ی اموات را زنده نگه می‌دارند و برای آن‌ها مجلس یادبود برپا می‌کنند. پس از وفات شخص متوفی، هفت روز برای او احسان کرده (مراسم فاتحه‌خوانی برگزار می‌کنند) و تا روز چهارم هر روز، روحانی به خانه‌اش دعوت می‌کنند تا برای شادی روح متوفی قرآن تلاوت کند. اهمیت زنده نگه داشتن یاد اموات و گذشتگان به حدی است که قبل از برگزاری هر نوع جشنی در یک خانواده، صاحب‌خانه جهت شادی ارواح گذشتگان، سفره احسان پهن می‌کند، روحانی را نیز دعوت می‌کند تا به تلاوت قرآن بپردازد و بعد از آن برنامه جشن اجرا می‌شود».

برخی از باورها و سنت‌ها، مرتبط به لباس و پوشش می‌باشد. چند مورد را در این ارتباط می‌آوریم:

- کسانی که خبر مرگ را شنیدند به همان پوششی که بر تن دارند به مراسم عزای می‌روند؛ در ایام گذشته تا چهار روز و در زمان حال تا هفت روز لباس خود را تعویض نمی‌کنند. و حتی در برخی مناطق تا یک سال هم لباس‌های قبلی را می‌پوشند و به تعبیر دیگر در این مدت لباس نو نمی‌پوشند. «زنان مخصوصاً وقتی که پدر و مادرشان فوت می‌کرد تا روز چهارم متوفی لباس عوض نمی‌کردند و روزها هم لباس نمی‌شستند و مدت‌ها گاهی تا یک سال چارقد به سر بودند و از روسری و امثال آن استفاده نمی‌کردند. نویسنده در ادامه می‌نویسد که این راه و رسم حدوداً مربوط به سه دهه‌ی گذشته و قبل از سال ۱۳۹۴ بوده است. و مردان نیز به‌طور متغیر گاهی تا حدود روز چهارم از پوشیدن لباس‌های نو و یا شیک‌پوشی خودداری می‌کردند و این راه و رسم‌ها امروزه تا حدودی از بین رفته است. در حال حاضر در ایران «هر کس با لباس معمولی خود می‌آید، اما سعی می‌شود در پنج روز اول عزاداری، با همان لباسی حاضر شوند که به هنگام شنیدن خبر مرگ، بر تن‌شان بود. زن‌ها، اغلب لباس سنتی خود را می‌پوشند؛ همان لباسی که در مجامع دیگر هم بر تن‌شان هست. مردها هم با همان لباس معمولی که در اداره یا محل کسب‌وکار بر تن دارند، ظاهر می‌شوند. البته توصیه شده است که باید با لباس‌های کهنه به محل عزاداری رفت در این ارتباط نُحُولی‌ها در ایام گذشته تا چهار روز لباس‌های خود را عوض نمی‌کردند و یا کهنه‌ترین لباس‌های خود را می‌پوشیدند. تا چهار روز لباس‌ها را نمی‌شستند و یا پارگی لباس‌های خود را نمی‌دوختند. حتی به حمام نمی‌رفتند. بعد از چهار روز یکی از کهنسالان خویشاوند می‌آمد و می‌گفت: چله مُرده برطرف شد و حالا می‌توانید لباس خود را عوض کنید. بعد از آن حمام می‌رفتند. در روزگار گذشته حتی بعضی از نُحُولی‌ها تا یک سال هم حمام نمی‌رفتند و با همان لباس ژولیده و کثیف خود زندگی می‌کردند و لباس خود را در نمی‌آوردند. آنان بدین گونه عزادار بودن خود را معلوم می‌کردند. لازم به ذکر است که در حال حاضر این موارد یا کمتر اجرا می‌شود و یا کم‌رنگ شده است. به ویژه مورد آخر دیگر اجرا نمی‌شود.

- بعد از فوت شخص، لباس‌های او را تا هفت روز در گوشه‌ای از اتاق یا آلاچیق آویزان می‌کنند و بعد از سپری شدن آن ایام، لباس‌ها را به دیگران می‌بخشند. لباس‌های مرده را در روزهای عید از گوشه‌ی اتاق آویزان می‌کنند. وقتی کسی فوت می‌کند، همان موقع باید لباس‌های او را از خانه آویزان کرد. لباس‌ها را از طرف «رویه باید پهن کرد. به همین خاطر وقتی که رخت‌های فرد زنده پهن می‌شود، باید وارونه باشد. اگر لباس‌های شسته‌ی آدم زنده از طرف رویه پهن شود، فرشته‌ها به تصور این‌که این فرد از دنیا رفته است، فاتحه می‌خوانند. [در این صورت] ممکن است شخص مریض و عمرش کوتاه شود و به پهن کننده هم در آن دنیا عذاب داده می‌شود.

- لباس‌های مرحوم را باید به افراد یتیم، محتاج و به کسانی که از عهده زندگی خود بر نمی‌آیند، بخشید. اگر چنین اقدامی صورت نگیرد، او بدون لباس و به صورت عریان به خوابت می‌آید.

- هر چند ممکن است در ایام عزاداری «در برخی از مناطق لباس سیاه و سفید هم پوشیده شود، اما در بسیاری از مناطق ترکمن‌نشین پوشیدن لباس سیاه در مراسم عزاداری متداول نیست و حتی آن را پسندیده هم نمی‌دانند. درواقع «ترکمن‌ها، اصراری برای پوشیدن لباس‌های سیاه در مجالس ترحیم ندارند...گویا ترکمن‌ها نه تنها چندان میانه‌ای با رنگ مشکی ندارند، بلکه طبق روایات و سنت‌های اسلامی، آن را مکروه هم می‌دانند و البته هرچند در ترکمنستان «پوشیدن لباس سیاه در این گونه مراسم، چه از سوی صاحب عزای چه شرکت‌کنندگان، مرسوم نیست، اما پوشیدن آن را عیب نمی‌دانند».

- در ارتباط با کلاه «در بین ترکمن‌های ایران، فقط صاحب عزای نزدیکان متوفی، کلاه یا عرقچین بر سر می‌کند و بر شرکت‌کنندگان در مراسم عزای فاتحه‌خوانی یا خاکسپاری، این پوشش شرعاً الزامی نیست و نبود آن را عیب نمی‌دانند. اما در ترکمنستان، رسم بر این است که شرکت‌کنندگان در این‌گونه مراسم نیز هم‌چون صاحب عزای کلاه می‌پوشند و آن را احترام به صاحب عزای

می‌دانند... در ترکمنستان وقتی در بین ترکمن‌ها فردی فوت می‌کند، شرکت کنندگان در مراسم، الزاماً کلاه به سر می‌کنند و غالباً نیز این کلاه‌ها خزار است. این رسم بین ترکمن‌های ترکمنستان رسمی مؤگد است و بر کسانی که این قاعده را رعایت نمی‌کنند، عیب می‌شمارند.

- در برخی از مناطق ترکمن صحرای ایران، پس از فوت کسی چادر بزرگی را در کنار و یا محل مناسب حیاط خانه متوفی برپا می‌کنند. صاحبان مذکر عزا در این چادر می‌نشینند و مردانی که برای عرض تسلیت می‌آیند وارد این چادر می‌شوند. این افراد نباید به دیگران دست بدهند. آنان می‌نشینند و قاری یا فرد دیگری آیاتی از قرآن را تلاوت می‌کنند... آن فرد به صاحبان عزا تسلیت می‌گوید. در موقع خروج از چادر هم «فرد بار دیگر طلب آمرزش نموده و بی آن‌که به کسی دست بدهد، بلند شده و از چادر بیرون می‌رود. سنت دست ندادن به صاحب عزا، معمولاً تا سوّمین یا هفتمین روز فوت متوفی ادامه دارد». چنین باوری در بین برخی از طوایف ترکمن، از جمله نُخُولی‌ها، وجود ندارد. «در ضمن نباید به پیشواز آن که به عزاداری آمده است، رفت یا او را روانه کرد. [اگر چنین کنی] روح مردگان را به خشم می‌آوری».

- در برخی نقاط در محل عزاداری روی نم‌ می‌نشینند، در این ارتباط نیز معتقد به انجام برخی از امور هستند. «در میان گوگلان‌های ساکن ترکمنستان، بعد از خروج متوفی از خانه، نم‌دی را که افراد شرکت‌کننده در عزاداری روی آن می‌نشینند، بعد از هر بار خروج شرکت‌کنندگان و قبل از نشستن افراد تازه‌وارد، اغلب از در بیرون برده، تکان داده و دوباره پهن می‌شود و گوشه این نم‌د برعکس برگردانده می‌شود. در توضیح علت تکاندن نم‌د گفته می‌شود: بعد از آن‌که متوفی از خانه‌ی صاحب عزا بیرون برده می‌شود، در بین افرادی که جهت تسلیت به محل سوگواری می‌آیند، خویشتانندان متوفی هم حضور دارند. برای آن‌که مرگ، آنان را اندوهگین نسازد، نم‌دها را به شدت می‌تکانند.

در میان برخی از طوایف ترکمن این باور وجود دارد که نباید موقع مراجعت از محل عزاداری، مستقیم به خانه‌ی خود وارد شد و یا به منزل دیگران رفت. در این ارتباط چند باور را ذکر می‌کنیم:

- ترکمنان بر این باور هستند که وقتی در مراسم عزاداری شرکت کردی و به خانه برگشتی، نباید مستقیم وارد خانه بشوی. باید ابتدا به دستشویی برویی و بعد از آن وارد خانه‌ی خود بشوی تا نحسی عزاداری برطرف شود.

- موقع بازگشت از محل عزاداری، ورود به خانه‌ی دیگری خوش‌یمن تلقی نمی‌شود.

- از محل عزاداری به عروسی رفتن هم خوش‌یمن هم نیست. در ضمن، از عروسی به محل عزاداری رفتن هم خوش‌یمن تلقی نمی‌شود.

- ترکمنان ساکن ایران هم «بعد از فاتحه به خانه کسی رفتن را درست و پسندیده نمی‌دانستند و مثل آن بعد از عروسی به فاتحه رفتن را».

برخی از دلایل این باورها می‌تواند موارد زیر باشد:

الف: نحسی عزاداری برطرف شود.

ب: برخی از نُخُولی‌ها معتقدند که اگر وارد خانه دیگری شوی، آنان بر این باورند که از محل عزاداری، برای آن خانواده عزا آورده‌ای. ج: موقع برگشتن از محل عزاداری، به دنبال تو جن می‌آید.

د: ارواح درگذشتگان که در محل عزاداری برای استقبال روح متوفی آمده‌اند و یا روح مرحوم که مایل به جدایی از کالبد او نیست، ممکن است به دنبال شرکت‌کننده در عزاداری بیایند. اگر این شخص در هنگام مراجعت از عزاداری به جای دیگری سر بزند، روح در آن جا تحمّل توقّف طولانی را نداشته و به جای قبلی خود برمی‌گردد.

برای حل مشکل راه حل‌هایی وجود دارد:

الف: رفتن به دستشویی.

ب: شستن دست‌ها.

ج: در برخی مناطق بر این باورند که اگر اطراف درخت میوه‌دار سه بار دور زده و وارد خانه‌ای بشوی، جن‌ها در آن جا می‌مانند.

د: کج کردن راه به مکان‌هایی چون آغل حیوانات، کشتزار و یا محل رفع حاجت.

- علاوه بر آن‌چه که ذکر شد، موقع برگشت از محل عزاداری، نباید دست‌ها را در هم گره زد و نشست. سبب عصبانیت ارواح می‌شوی.

در ادامه چند مورد مرتبط دیگر را نیز می‌آوریم:

- ترکمنان رفتن به مراسم عزا، بعد از غروب آفتاب، را جایز نمی‌دانند.

- پس از شرکت در مراسم عزا، عیادت بیمار شگون ندارد.

- روز مراجعت از عزاداری نباید موها را شانه کرد.
 - در محلّ عزاداری نباید چهارزانو نشست، چون شیطان روی پاهایت می‌نشیند.
 - اگر کسی در محلّ عزاداری عطسه کند؛ نُخُورلی‌ها سه بار به پشت او ضربه می‌زنند و می‌گویند: «خیر بولسون، خیر بولسون، خیر بولسون» منظورشان این است که خیر باشد و عزا و ماتم بار دیگر پیش نیاید.
 - بردن بچه‌ی کوچک به عزاداری خوب نیست و باید بچه‌های کوچک از آنجا دور باشند. اگر بچه کوچک به محل عزاداری برود به او چله می‌افتد و مریض می‌شود.
 - مرحوم دوست دارد که در عزاداری وی گریه و زاری کنند. او بازماندگان خود را می‌آزماید که آیا گریه می‌کنند و یا گریه نمی‌کنند؟ مرحوم می‌گوید: در بالا و مقابل درِ خانه، افرادی را گوش به‌زنگ و مراقب گمارده‌ام. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، برخی از ترکمن‌ها، به‌ویژه زنان، گریه و زاری و فغان و عزاداری در حقّ مرحوم را ضروری می‌دانند.

■ باورها و رسوم مرتبط به غذا و پختن نان و بردن نان به محلّ عزاداری

- در گذشته رسم بود که تا سه روز در خانه‌ی مرحوم غذایی پخته نمی‌شد. باور به این رسم به این دلیل بود که هنوز اموال متوفّی بین وارثان تقسیم نشده و میزان ارث هر یک مشخص نشده بود. شاید در بین وارثان، بچه‌های کم سنّ و سال بودند و از این کار ناراضی می‌شدند. بنابر این «همسایگان متوفّی» و افراد نزدیک به متوفّی، برای بازماندگان و صاحبان عزا، غذا درست می‌کنند. حتی در برخی مناطق تا هفت روز غذا می‌آوردند. در این ارتباط چنین باوری هم مطرح بود که «ارواح و اجنه ممکن است غذا را مسموم کنند. وقتی که همسایه‌ها غذا می‌آوردند، باید ظرف غذای آنان را شست و تحویل داد و این بدان معناست که مرگ به آنان سرایت نکند.
 البته ذکر این نکته لازم است که امروزه این موارد ذکر شده تا حدودی کم‌رنگ شده، ولی در برخی مناطق همچنان اجرا می‌شود.

بردن انواع نان به محلّ عزاداری و هم‌چنین پختن نان و غذا خوردن هم با باورهایی همراه بوده است. مواردی از این باورها در زیر می‌آید:

- زنان ترکمن هیچ‌گاه دست‌خالی به جشن و عروسی و یا به سوگواری نمی‌روند. آن‌ها بیشتر نان، غاتلاما و یا چلیک، که از خوردنی‌های سنتی‌اند و در خانه می‌پزند، با خود می‌برند. اما همین‌طور که ذکر شد، این مورد با توجه به باورهای ترکمنان انجام می‌شود. چون زنان ترکمن «باور دارند که تعداد هر آن‌چه به عروسی می‌برند جفت و تعداد هر آن‌چه به سوگواری می‌برند، باید تک باشد». در این باور، عدد زوج نشانی از کامل بودن و به خاطر جفت بودنش نماد استقبال و تأیید ازدواج دو فرد در جشن عروسی است و عدد فرد به خاطر تک بودنش نمادی از نقصان است. این پژوهشگر در جای دیگری نیز به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: از دیرباز رسم بر این بوده و هست که زنان با در دست داشتن بقچه‌ای حاوی سه عدد نان، به خانه‌ی صاحب عزا می‌آیند (اصولاً انتخاب شماره فرد برای این‌گونه مراسم، نشانه‌ای از کم شدن فرد از میان جمع است). زنان صاحب عزا نیز یکی از آن سه نان را برمی‌دارند و آن بقچه را با دو نان دیگر برمی‌گردانند (شاید به این مفهوم که آرزو می‌کنند در خانه‌ی آورنده‌ی بقچه، شادی باشد. انتخاب شمارگان زوج را می‌توان نشانه‌ی سعد و شادی دانست).

- برای مرده‌ها و یا برای مراسم عزاداری‌های روغنی تنوری... می‌پختند، ولی قبل از طبخ، نخست پیازداغ کرده و آن را از داخل ظرف بیرون می‌آوردند، زیرا بر این باور بودند که مرده‌ها نیز هم‌چون زنده‌ها از بوی روغن لذت برده و باعث شادی روح آنان می‌شود. - در عزاداری، نان گرد کوچک با نام «کوک» پخته نمی‌شود. ترکمن‌ها بر این باورند که اگر در عزاداری کوک پخته شود، بازهم در آن‌جا مصیبت پیش می‌آید و ادامه پیدا می‌کند.

- [در برخی مناطق ترکمن‌نشین، عده‌ای از ترکمنان] بر این باورند اگر در عزاداری از خمیر استفاده کنند، خمیر ور می‌آید و حجمش زیاد می‌شود و به همان میزان، مرگ و میر هم زیاد می‌شود. بنابراین، با نیت خوب، در سوگواری فطیر می‌پزند.
 - با این نیت خوب که دنباله‌ی مرگ‌ومیر قطع شود و مرگ دور شود، موقع پخت نان در عزاداری با دورت‌گوج [پَر] از کناره‌های خمیر سوراخ‌های ریز در سطح خمیر ایجاد می‌کنند و در وسط خمیر این عمل را به پایان می‌رسانند.
 - در عزاداری به هنگام تعارف نان باید یک بار از آن بکنی.
 - در عزاداری نباید استخوان غذا را بجوی، چون این کار به منزله‌ی آن است که استخوان مرده را داری می‌جوی و در باور دیگر با این کار عمرت را کوتاه می‌کنی.

- به‌طور کلی بر طبق آداب و رسوم و باورهای ترکمن‌ها، در محلّ عزاداری چهارزانو نشستن، آستین بالا زدن و غذا خوردن، تمیز

کردن دندان با چوب و با صدای بلند آروغ زدن، بسیار ناپسند محسوب شده است. ترکمنان این مورد را مَدَنظر داشته و به هنگام بردن غذا به عزاداری، غذاهایی چون غارما [پلو با گوشت سرخ کرده] و شیربرنج یا غذاهای دیگر بدون استخوان، برده‌اند. - برخی معتقدند که بچه‌ی کوچک نباید در عزاداری کسی غذا بخورد و عده‌ای نیز «بر این باورند که از غذای مجلس عزاداری فرد تازه فوت کرده، نباید غذای زیادی به کودک خوراند؛ چون باعث کم‌هوشی و ضعف عقل او می‌شود.

برخی از باورها مربوط به نحوه بردن غذا و حمل ظرف غذا است:

- در محل سوگواری با هر یک از دست‌ها، یک ظرف غذا بردن گناه است و عیب محسوب می‌شود، به همین خاطر به هنگام بردن غذا به محل عزاداری، باید ظرف غذا را به دست چپ بگیرد و جلوی خود نگه داری و بیری. در مراسم بزرگداشت متوفی هم، ظرف غذا با یک دست یا تک تک برده می‌شود. منظور و پیام این عمل این است که مرگ دیگر، مرگ دسته‌جمعی و مرگ بی‌موقع اتفاق نیفتد.

■ موارد متفرقه دیگر در ارتباط با سوگواری

- ترکمنان هیچ‌گاه، پشت سر متوفی غیبت نمی‌کنند و این امر را گناهی بزرگ می‌دانند. از نیاکان ترکمن به آن‌ها توصیه شده است که پس از فوت شخص، حتی دشمن وی نیز نباید بدی‌های او را بگوید و شایسته آن است که درباره‌ی کارهای خوب و صفات مثبت مرحوم صحبت شود.

- ترکمنان بر این باور هستند که کسی که به قبرستان رفته و برگشته است، اگر به خانه‌ای که در آن عروس جوان و بچه‌ی کوچک هست وارد شود؛ ممکن است به آن‌ها چله بیفتد و ترکمن‌ها از انجام چنین کاری اجتناب کرده‌اند.

- از جلوی تدفین کنندگان جنازه نباید رد شد. اجل به دنبالت می‌افتد. به باور نُخُورلی‌ها چله مُرده بر آن فرد می‌افتد. اگر آن شخص بچه باشد و بر او چله بیفتد مریض می‌شود و اگر نوعروس باشد صاحب فرزند نمی‌شود.

- زنی که چله‌ی مُرده به او افتاده، اگر از جلوی تدفین کنندگان جنازه بگذرد، ممکن است، چله‌اش برطرف شود.

- [زنان ترکمن] آب سطل را که (همواره هنگام پختن نان در کنار دست زن طبّاخ قرار دارد و از آن برای پاشیدن بر روی نان و کاستن از لَهِیب آتش تنور استفاده می‌کنند) به نیت آمرزیده شدن رفتگان، به سمت قبرستان می‌پاشند، زیرا معتقدند رفتگان نسبت به این آب امید و انتظار دارند.

- ترکمنان گولان ساکن ترکمنستان بر این باورند که اگر مرحوم زیاد به خواب فردی بیاید و از آن خواب احساس ناراحتی پیش بیاید، آن شخص باید پیاز بخورد و قرآن بخواند و بخواهد. به نظر نُخُورلی‌ها اگر مرحوم را در خواب ببینیم و او از تو چیزی را طلب کند و یا بگوید بیا. تعبیر آن این است که او از خانه‌ی تو کسی را با خود می‌برد، ولی اگر در خواب به تو چیزی بدهد، تعبیر آن این است که به تو خیری می‌رسد. در صورت اول باید بلافاصله در راه خدا به نیازمندان، طعام داد.

- اگر زمانی صحبت از مُرده بشود و در این میان کسی عطسه کند، گوش چپ او را شدیداً می‌پچانند. چرا که او بی‌مورد عطسه کرده است و این عطسه بدشگون است و ممکن است یکی از بستگان بمیرد. و یا «به این خاطر چنین می‌کنند که فرد عطسه کننده از مرگ در امان باشد.

- اگر کسی از دنیا برود و بعد از مدتی آشنایی یا کسی بیاید و بگوید فلانی کجاست؟ به او نمی‌گویند فلانی مرحوم شده. بلکه می‌گویند برای کاشتن کَنجد رفته است.

- اگر شخصی به قبرستان برود و مرده را دفن کند و برگردد، حق ورود به خانه‌ای که نوزاد و نوعروس هست، ندارد. چون به آن‌ها چله می‌افتد.

- درمیان ترکمنان نُخُورلی رسم بر این است که روز بعد از تدفین متوفی، خانواده‌ی او برای فاتحه خواندن بر سر مزار او می‌روند. حتی برخی از این خانواده‌های نُخُورلی موقع رفتن می‌گویند می‌رویم هم فاتحه بخوانیم و هم خانه جدید مرحوم را به او تبریک بگوییم. البته ذکر این نکته بسیار ضروری است که این مورد در میان همه تیره‌های نخورلی رایج نیست. «بر سر مزار مرحوم، خوراکی‌هایی چون غاتلاما، بُشَشمه و غذاهای دیگری را که به خانه‌ی مرحوم آورده شده، می‌برند و در آن‌جا پخش می‌کنند. عده‌ای گریه و زاری می‌کنند و فاتحه می‌خوانند. عده‌ای از نخورلی‌ها هم، آب، گندم و برنج می‌برند. آب را روی قبر مرحوم می‌ریزند و گندم و برنج را به روی قبر او می‌پاشند تا پرندگان بخورند و ثوابش به مرحوم برسد. علاوه بر این موارد، بر چوبی که بر سر مزار نصب کرده‌اند، دستمال و تسیح آویزان می‌کنند، تا اگر ملأ و یا آخوند [یا شخص دیگری] آمد و بر مزار مرحوم فاتحه خواند، آن‌ها را با خود ببرد و ثوابش به مرحوم برسد. عده‌ای از نُخُورلی‌ها در «مَرَد بایرام» هم به سر مزار مرحوم می‌روند و اولین بایرام او را به او تبریک می‌گویند. به باور نُخُورلی‌ها، مرحوم در «مَرَد آیی» به مراد خود می‌رسد. آنان با این نیت که مرحوم به مراد خودش برسد،

برای تبریک قبر او می‌روند. منظور از «مرد بایرام»، جشن ماه شعبان می‌باشد. «این مورد در بین بعضی از نَخُورلی‌ها رایج نیست. در مقابل، زنان در روز عاشورا به سرِ مزارِ مرحوم خود می‌روند و فاتحه می‌خوانند.

- [ترکمن‌ها] روی قبر جوانان ناکام پارچه‌ای قرار می‌دهند که همانند پارچه‌ای است که گجاولی عروسی را با آن تزئین می‌کنند و روی دیرک‌ها نیز شاخه جدا شده از درخت و یا همان وسایلی را که برای تزئین گجاولی استفاده می‌کنند، قرار می‌دهند.

- نباید روغن شتری را که جسد متوفی را حمل کرده، به موهایت بمالی. موهایت زود سفید می‌شود.

- برخی از نَخُورلی‌ها، اگر زنی از دنیا برود و شوهرش پس از مدتی زن دیگری بگیرد؛ خانواده‌ی زنِ مرحوم به سرِ قبر او می‌روند و یک سطل آب سرد روی قبر او می‌ریزند. چون بر این باورند که اگر چنین نکنند، مرحومه با قبرش آتش می‌گیرد.

- هر چیزی را که در مجلس عزاداری (مثل تگه پارچه، پول و...) داده شده است، نباید تا زمان دیدنِ ستاره وارد خانه کرد.

- چیزهای داده شده در مجلسِ تحمیم را باید به افراد فقیر و بی‌کس داد.

- اگر در شب می‌دیدند که ستاره‌ای در آسمان کشیده شود، چنین می‌گفتند: «کسی به دنیای جاودان کوچ کرده است» و یا «هی! ستاره بنده خدایی در آسمان کشیده شده و چراغش خاموش شده است». هم چنین گفته‌اند: «نصیب کافر بشود».

- اگر مرغ از خروس تقلید کند و مثل او سر و صدا کند، آن مرغ را باید کشت. چون برای صاحبش مرگ و فقدان به دنبال خواهد داشت.

- اگر بی‌موقع خبر فوت کسی شنیده شود، چنین می‌گفتند: «توبه، استغفرالله، بلا به دور باشد. آن‌چه را که گوش شنیده است، چشم نبیند. گوش افراد خانواده کر باشد و این خبر را نشنوند. این خبر ناگوار، همان جا بماند و جای دیگر پخش نشود و...».

■ منابع در دفتر فصلنامه موجود است

پی‌نوشت:	۲۷ - قوجق، ۱۳۸۶: ۴۷	۵۴ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰	۸۰ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۴۷
۱ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۹۰	۲۸ - همان‌جا	۵۵ - قوجق، ۱۳۸۶: ۴۷	۸۱ - غوج‌مترادوف، ۱۹۹۵: ۹
۲ - همان: ۱۸۳	۲۹ - همان‌جا	۵۶ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۸۲ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰
۳ - همان‌جا	۳۰ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۵۷ - قوجق، ۱۳۸۶: ۴۷	۸۳ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۹۱
۴ - همان‌جا	۳۱ - کلاقات، ۲۰۱۰: ۲۲۵	۵۸ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۸۴ - مرادی، ۱۳۹۶: ۸۹
۵ - همان‌جا	۳۲ - سعیده ملتی، ۱۴۰۰	۵۹ - همان‌جا	۸۵ - کلاقات، ۲۰۱۰: ۲۲۲
۶ - طلایی، ۱۳۹۶: ۱۰۱	۳۳ - آراز بی‌بی ملتی، ۱۴۰۰	۶۰ - قربان‌صخت بدخشان، ۱۳۹۹	۸۶ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰
۷ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰	۳۴ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۶۱ - همان	۸۷ - ولی‌محمد خوجه، ۱۴۰۰
۸ - قربان‌صحت بدخشان، ۱۳۹۹	۳۵ - همان: ۱۸۸	۶۲ - قوجق، ۱۳۹۶: ۵۷	۸۸ - عرفان مختومی، ۱۳۹۷
۹ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۵۸	۳۶ - همان‌جا	۶۳ - قوجق، ۱۳۸۶: ۴۸ - ۴۷	۸۹ - ولی‌محمد خوجه، ۱۴۰۰
۱۰ - قهرمانی، ۱۳۸۳: ۶۷	۳۷ - آقی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۲۳	۶۴ - معطوفی، ۱۳۸۳/۳: ۲۰۷۳	۹۰ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰
۱۱ - میرمیران سلاکجانی، ۱۳۹۴: ۱۷۴	۳۸ - آراز بی‌بی ملتی، ۱۴۰۰	۶۵ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۸	۹۱ - اینجی اسفندیاری، ۱۴۰۰
۱۲ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۶	۳۹ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰	۶۶ - قربان‌صخت بدخشان، ۱۴۰۰	۹۲ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰
۱۳ - آقی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۶۲	۴۰ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۶۷ - ر.ک. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۸	۹۳ - همان
۱۴ - همان‌جا	۴۱ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۴۷	۶۸ - ر.ک. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۸	۹۴ - اینجی اسفندیاری، ۱۴۰۰
۱۵ - همان‌جا	۴۲ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۶۹ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۹۵ - لطیف آزادیان، ۱۴۰۰
۱۶ - طلایی، ۱۳۹۶: ۱۰۱	۴۳ - ر.ک. اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۴۷	۷۰ - اینجی اسفندیاری، ۱۴۰۰: نازی‌بی	۹۶ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰
۱۷ - ر.ک. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۹۱	۴۴ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۸	ملتی، ۱۴۰۰	۹۷ - لطیف آزادیان، ۱۴۰۰
۱۸ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰	۴۵ - ستاربردی فجوری، ۱۳۹۹	۷۱ - نازی‌بی ملتی، ۱۴۰۰	۹۸ - میرمیران سلاکجانی، ۱۳۹۴: ۱۷۹
۱۹ - قربان‌صخت بدخشان، ۱۴۰۰	۴۶ - همان‌جا	۷۲ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۹۹ - غوج‌مترادوف، ۱۹۹۵: ۲۳
۲۰ - گلی، ۱۳۶۶: ۳۴۲	۴۷ - غوج‌مترادوف، ۱۹۹۵: ۱۹	۷۳ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۵۴	۱۰۰ - اینجی اسفندیاری، ۱۴۰۰
۲۱ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۶	۴۸ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۷	۷۴ - عرفان مختومی، ۱۳۹۷	۱۰۱ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۵
۲۲ - غوج‌مترادوف، ۱۹۹۵: ۱۴	۴۹ - لطیف آزادیان، ۱۳۹۹	۷۵ - غوج‌مترادوف، ۱۹۹۵: ۹	۱۰۲ - همان: ۱۸۸
۲۳ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۶	۵۰ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۹	۷۶ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۵۴	۱۰۳ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۰۳
۲۴ - همان: ۱۸۹	۵۱ - همان: ۱۹۱	۷۷ - همان‌جا	۱۰۴ - غوج‌مترادوف، ۱۹۹۵: ۲۴
۲۵ - همان: ۱۸۶	۵۲ - حمیدرضا نوروزی، ۱۴۰۰	۷۸ - تاتلیلی‌اوغلو، ۲۰۰۱: ۱۳	۱۰۵ - اُورَاف، ۱۴۰۰: ۲۰۳
۲۶ - طلایی، ۱۳۹۶: ۱۰۱	۵۳ - الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۹۲	۷۹ - قوجق، ۱۳۸۶: ۴۶	